ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

مجله علمی علوم اسلامی انسانی (سال ششم)
شماره ۲۱/ بهار ۱۳۹۹ / ص ۹۷-۸۹

فضایل علمی- فرهنگی اهل بیت (علیهم السلام) در زیارت جامعه کبیره

تاریخ دریافت مقاله: فروردین ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش مقاله: اردیبهشت ۱۳۹۹

سمیرا رادمهر[۱]، ام البنین کوهستانی[۲]، قدسیه آذرنور[۳]

[۱] مدرسه علمیه حضرت نرجس (س) و موسسه آموزش عالی حوزوی نرجس (سلام الله علیها)، زاهدان
[۲] موسسه آموزش عالی حوزوی نرجس (سلام الله علیها)، زاهدان
[۳] موسسه آموزش عالی حوزوی نرجس (سلام الله علیها)، زاهدان

نویسنده مسئول:
سمیرا رادمهر

چکیده

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) در حدیث شریف ثقلین درصدد بیان عظمت و جایگاه والای عترت است. هدف اصلی و اساسی در این حدیث نیز توجه دادن امت اسلامی به ایشان می‌باشد، چرا که به دلیل فضایل بی شمار اجتماعی، بعد از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) اسوه حسنه برای جامعه اسلامی هستند. زمانی که امت اسلامی به این امر واقف باشند و آنان را الگوی عملی خود در جامعه قرار دهند، بی‌شک اثرات و برکات فراوانی را در جامعه و امت اسلامی، شاهد خواهیم بود. چه در بُعد سیاسی، چه در بُعد علمی- فرهنگی و چه در بُعد اقتصادی. در پژوهش حاضر فضایل علمی- فرهنگی ایشان براساس زیارت جامعه کبیره به روش توصیفی- تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته که مهمترین آنها، مرجعیت علمی- فرهنگی می‌باشد و با فرازهای مختلفی از زیارت جامعه قابل اثبات است.

کلمات کلیدی: فضایل علمی- فرهنگی، اهل بیت، فضایل اهل بیت، زیارت جامعه کبیره.

DOI(Digital Object Identifier): 10.6084/m9.figshare.12318605

علوم اسلامی انسانی، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۹، ص ۹۷- ۸۹

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

مقدمه

دین مبین اسلام، دین کامل می باشد که به تمامی ابعاد زندگی انسان ها توجه دارد و چون فطرت و خوی بشر اجتماعی است اسلام نیز از این بعد غافل نشده است، زیرا نه تنها به انسان سازی اکتفا نکرده بلکه احکام و مسائل فردی را نیز زمینه ساز ساخت جامعه مطلوب دینی قرار داده است و انسان برای پیمودن راه سعادت نیازمند به الگو است. طبق فرمایش قرآن کریم پیامبراکرم (صل الله علیه و آله و سلّم) اسوه حسنه هستند و آن حضرت نیز بعد از خود به اهل بیت (علیهم السلام) اشاره می کنند، همانطور که در حدیث ثقلین و غیره می خوانیم. انسان که موجودی کمال گراست علاقه دارد به بهترین فضایل و حسنات برسد و با بهره گیری از الگوهایی مانند پیامبر (صل الله علیه و آله و سلّم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) می تواند به این مهم دست یابد. بیان فضایل آن بزرگواران می تواند راه گشای هر فردی که جویای کمال و بهترین هاست، باشد. خصوصاً بیان کردن فضیلت های علمی و فرهنگی که با گفته شدن این مسائل شیوه حکومت داری اسلامی به خوبی روشن می شود و کارگزاران و مسئولان با بهره گیری از این الگو می توانند کشور را به نحو اسلامی و آنچه مورد رضایت حق است اداره کرده و حرکت به سوی تمدن سازی اسلامی را تسریع بخشند.

حال، با توجه به اینکه زیارت جامعه کبیره از خود معصوم به ما رسیده و مضامین عالی آن بهترین سند برای شناخت و معرفت نسبت به جایگاه ایشان است، سوال این است که فضایل علمی- فرهنگی ایشان در جامعه کبیره چیست؟ و فرض بر این است که مرجعیت علمی-فرهنگی این بزرگواران با فرازهای متعددی از زیارت جامعه کبیره قابل اثبات است که خود دارای آثار و برکات بی‌شماری می‌باشد.

در زمینه فضایل اهل بیت (علیهم السلام) پژوهش های مستقلی صورت گرفته، پراکنده و گذرا به جامعه کبیره هم اشاراتی شده است. اما به صورت مستقل در زیارت جامعه مورد بررسی قرار نگرفته است. در پژوهش حاضر بناست به صورت تحلیلی و توصیفی فضایل علمی- فرهنگی آن حضرات در زیارت جامعه کبیره در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

الف : مفهوم شناسی

در این قسمت به بررسی مفاهیمی پرداخته خواهد شد که که بیشترین کاربرد در تحقیق را دارند، که از جمله آن‌ها می‌توان به واژگان: اهل بیت، فضایل، فضایل اجتماعی و زیارت جامعه کبیره اشاره نمود.

۱. اهل بیت

بیت در لغت به معنای خانه خشتی و گلی است، هر وقت از واژه «بیت» در قرآن، این معنا مقصود بوده به صورت جمع و با اضافه به ضمیر آمده است اما مراد از «اهل‌بیت» در اصطلاح متعارف بین مسلمین، «اهل‌بیت نبوت» می‌باشد، «ال» در بیت، «ال عهد» است و بر اهل‌بیتی خاص که بین متکلم و مخاطب شناخته شده است، دلالت دارد. [۱] بر این اساس، مراد از آن، بیتی است که به مقام نبوت منسوب می‌باشد. [۲] از این رو ممکن است در خانه گلی و سنگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) کسانی زندگی کنند که سنخیت لازم با بیت‌النبوه را نداشته باشند و در نتیجه جزء آن محسوب نگردند [۳]

۲. فضایل

فضایل از «فَضل» و به معنای «زیادت» [۴] است و در قرآن به دو معنا به کار رفته؛ یکی فضل معنوی و دیگری فضل مادی، خدا صاحب احسان و رحمتی بر بندگان است که از روی لطف و کرم الهی می‌باشد لذا به آن فضل گفته می‌شود و گرنه بندگان حقی در نزد خدا ندارند. [۵]

لذا فضایل آنچه گذشت به معنای زیادت در هر چیزی است و در اصطلاح به معنای بخشیدن از علم یا مال یا غیر آن به دیگران است و خداوند صاحب فضل اصلی است و اهل بیت (علیهم السلام) فضایل‌شان در امتداد فضایل پروردگار است که به مردم ارائه می شود.

علوم اسلامی انسانی، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۹، ص ۹۷- ۸۹

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

۳. زیارت جامعه کبیره

همانطور که روشن است این واژه از چند کلمه ترکیب شده که عبارت است از زیارت، جامعه و کبیره که به هر یک از آن-ها به طور جداگانه پرداخته می‌شود.

واژه «زیارت» از «زور» گرفته شده و به معنای «میل و عدول از چیزی» [۶] است. زائر را از آن جهت «زائر» می نامند که وقتی به زیارت می رود از غیر، عدول می کند.» [۷] برخی گفته اند: این که بر ملاقات اولیا و بزرگان، اطلاق زیارت شده، از آن جهت است که این کار، انحراف از جریان مادی و عدول از عالم طبیعت و توجه به عالم روحانیت است، در حالی که در محیط طبیعی حضور دارد و جسمانیت خویش را حفظ می کند. قرآن کریم به سراغ کسی یا چیزی رفتن و دیدارکردن با او را زیارت نامیده است. [۸]

«زیارت جامعه کبیره»،از ارزشمندترین میراث شیعه که از امام هادی (علیه اسلام) به یادگار مانده است. [۹] علت جامعه کبیره نامیدن آن، این است که می توان تمام ائمّه اطهار (علیهم السلام) را با آن زیارت کرد. با وجود اینکه این زیارت سرشار از فضائل و کمالات این بزرگواران است اما هیچ گونه اغراق و غلوی در آن وجود ندارد، چرا که امامان، آینه تمام نمای جمال و جلال خداوند،نشانه بزرگ خدا و جانشین او بر روی زمین هستند و بایستی دارای چنین فضایلی باشند [۱۰].

ب: مرجعیت علمی و فرهنگی اهل بیت (علیهم السلام)

از مهمترین فضایل علمی-فرهنگی اهل بیت (علیهم السلام)، مرجعیت ایشان در این زمینه است.

خداوند متعال همواره انسان را به تفکر کردن و پرسیدن از آن‌چه که نمی‌داند، دعوت کرده و در این خصوص می فرماید به «اهل ذکر» رجوع کنید و طبق روایات فراوان، مراد اهل بیت (علیهم السلام) هستند که نشان از مرجعیت علمی ایشان دارد. از سوی دیگر مرجعیت فرهنگی نیز با مرجعیت علمی عجین است، زیرا که علم و فرهنگ مانند دو روی یک سکه هستند. وقتی در جامعه‌ای میزان علم افراد آن بالا رود، در مقابل آن فرهنگ‌شان نیز ارتقاء پیدا می‌کند. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

«وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِکَ إِلَّا رِجالًا نُوحِی إِلَیْهِمْ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُون[۱۱]؛ ما پیش از تو کسی را به رسالت نفرستادیم جز مردانی که به آنان وحی کردیم ؛ پس از اهل ذکر بپرسید اگر نمی دانید».

این آیه اصل کلی مراجعه به اهل علم و کارشناس را که عقل هر بشری نیز آن را می پذیرد، مطرح می کند، به عبارت دیگر هر چه را نمی‌دانید از آگاهان و اهل خبره آن سؤال کنید. البته در زمینه‌ی مسائل دینی بهترین مصداق «اهل ذکر»، اهل بیت پیامبرند. [۱۲] در ادامه به بررسی نمونه هایی از مرجعیت علمی - فرهنگی اهل بیت (علیهم السلام) که در زیارت جامعه کبیره اشاره شده، پرداخته خواهد شد.

۱. اهل الذکر

در فرازی از زیارت جامعه کبیره، اهل بیت (علیهم السلام) «اهل ذکر» خطاب می شوند. ذکر در لغت به معنای «ضد سهو، حاضر بودن معنی در خاطر»[۱۳] است و «اهل» به معنای «داشتن انتساب خاص، شایستگی و سنخیت با چیزی» است [۱۴] و کاربرد این کلمه در مورد اهل بیت (علیهم السلام) به معنای این است که ایشان شایستگی یاد شدن برای دیگران را دارند. برخی معتقدند که ذکر در قرآن به معانی مختلفی به کار رفته از جمله: «أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِکری [۱۵]؛ نماز را برای یاد من بپا دارید» یا در سوره عنکبوت این طور آمده است «وَ لَذِکرُ اللهِ أکبَر [۱۶]؛ و یاد خداوند بزرگتر است.»

ظاهراً اصل در این کلمه ذکر قلبی است و اگر لفظ را هم ذکر گفته‌اند به خاطر این است که لفظ، معنی را بر قلب القا می‌کند. در عرف قرآن اگر این کلمه مقید به قیدی نباشد معنایش یاد خداست.[۱۷] اما در آیه مورد بحث: «وَ ما أَرْسَلْنا قَبْلَکَ إِلَّا رِجالًا نُوحِی إِلَیْهِمْ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُون[۱۸]: ما پیش از تو کسی را به رسالت نفرستادیم جز مردانی که به آنان وحی کردیم، پس از اهل ذکر بپرسید اگر نمی‌دانید.» از جمله نکات مهم این است که آیه خطاب به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) و خاندان پاکش است. هر چند که خطاب در جملات قبل فقط به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) بوده و لیکن چون خطاب عمومی است، لذا در آن‌ها معنی متوجه همه می‌باشد. [۱۹]

روایات زیادی مبنی بر اینکه مصداق اهل‌الذکر، تنها اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشند، آمده است که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم. از امام صادق (علیه السلام) درباره اهل الذکر روایت شده که فرمودند: «هُم آلُ مُحمَّد[۲۰]؛ آنان آل محمداند». و نیز در روایت دیگری امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «نحنُ أهلُ الذِّکرِ، و نحنُ المَسؤولُون [۲۱]؛ ما اهل

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

الذکر هستیم و از ما سؤال می‌شود». لذا از آن‌چه گذشت می‌توان این‌گونه برداشت نمود که اهل بیت (علیهم السلام) تنها مرجع واقعی جامعه هستند.

۲. گنجینه داران علوم الهی (خُزان العلم)

در فراز دیگری از زیارت جامعه کبیره ایشان با عنوان «خُزّان العلم» خطاب می شوند. خزان جمع «خزنه» به معنای «محل انباشتن[۲۲]» یا گنجینه‌دار می‌باشد. علم عبارت است از: «درک کردن حقیقت چیزی که بر دو قسم است: ادراک ذات و حقیقت شیء، حکم کردن بر وجود چیزی با وجود چیز دیگر که برایش ثابت و موجود است. یا نفی چیزی که از او دور و منفی است[۲۳]»

خدا به خاطر لطف ویژه‌ای که به اهل بیت (علیهم السلام) داشته است، ایشان را گنجینه دار حقایق و علوم خویش قرار داده؛ از جمله علم ایشان به قرآن است، زیرا جانشینان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) و اولین وظیفه شان، تعلیم قرآن می‌باشد که لازمه آن علم به تمامی ابعاد قرآن می‌باشد. همان‌گونه که امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند:

«ما یَستَطیعُ أحَدٌ أن یَدَّعی أنَّ عِندَهُ جَمیعَ القرآنِ کُلِّهِ ظاهِرِهِ وَ باطِنِهِ غَیرُ الأوصیاءِ:[۲۴] کسی غیر از اوصیاء نمی تواند ادعا کند که تمامی قرآن ظاهر و باطنش نزد او است». تنها اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان قرآن ناطق به ظاهر و باطن آن علم دارند».

اهل بیت (علیهم السلام) که مخزن علم الهی هستند، دانش آنها خطا ناپذیر است. آنان از همگان بی نیازند و دیگران به آنان نیازمند. این علوم را بدون اینکه در مکتبی درس خوانده باشند، آموخته‌اند، زیرا منشأ علم‌شان یا الهام بی واسطه از طرف خداوند است یا از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلّم) به ارث برده‌اند. برای همین مثل دیگران نیستند که همواره به تعلیم و یادگیری نیازمند باشند و از همین رو خطا و اشتباه در علم‌شان راه نمی یابد و همه این‌ها کافی است برای بهترین و برترین الگو بودن و شایسته ترین فرد برای مرجعیت علمی و فرهنگی جامعه، و یادگیری از ایشان موجب رشد و ترقی خواهد شد.

۳. صاحبان عقل کامل (ذَوِی النُهی وَ اُولی الحِجی)

در فراز دیگری از زیارت جامعه ایشان را با نام «ذَوی النهی و اولی الحجی) می‌خوانیم. «نُهی و حِجی» هر دو به معنای عقل است که قدرت درک و تمییز خیر از شر و تشخیص نافع از مضر را دارد و از آن جهت که عقل، انسان را از هوا و هوس باز می دارد «نُهی» و از آن جهت که درک کننده حقیقت است «حجی» گفته می‌شود. [۲۵] خداوند به همه‌ی انسان‌ها این قوه را داده ولی تقویت آن بر عهده خود انسان‌هاست و خدا با قرار دادن امامان برای هدایت به او لطف کرده و راهنمایی برای رسیدن او به کمال انسانی همراهش قرار داده است. صاحب عقل کامل؛ یعنی کسی که در علم و دانش او هیچ خطا و اشتباهی وجود نداشته باشد. همین طور که از معنای نُهی و حِجی پیداست، «نُهی» عقلی که انسان را از پلیدی باز می‌دارد و «حِجی» که آنچه درست و واقع است را درک می‌کند. ایشان در عمل دارای بهترین اعمال و عقل کامل در رفتار و کردار می‌باشند و نیز دارای زیرکی و کیاست هستند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلّم) در مورد نُهی می‌فرمایند:

«قیلَ: یَا رسول الله وَ مَن اُولُوا النُّهی؟ قالَ: «هُم اُولُوا الاخلاقِ الحسنهِ و الاَحلامِ الرَزینهَِ و صِلَهِ الأرحامِ و البَرَرَهُ بالاُمَّهات و الآباء و المُتعاهدین للفُقراء و الجیران و الیتامی و یُطعمُون الطَّعام و یغشون السَّلام فی العالم و یصلون النَّاس یَنام غافلون [۲۶]؛ شخصی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) سؤال کرد، اولی‌النُهی چه کسانی هستند؟ پیامبر فرمودند: آنها دارای اخلاق حسنه و عقل‌های پر وزن و صلهٔ رحم و نیکی به مادران و پدران و کمک کننده به فقیران و همسایگان نیازمند و یتیمان هستند. آنها که گرسنگان را سیر می‌کنند و صلح در جهان می‌گسترانند. همان ها که نماز می‌خوانند در حالی که مردم در خواب غفلتند».

هر انسانی با توجه به آنچه گفته شد به طور فطری می‌تواند خوب و بد را تشخیص دهد، مانند یک گیاه، اما اینکه به این درک های خود که بالاتر از فطری بودن هستند مانند شناخت هدایت گران واقعی و غیره که مختص موجودات با شعور است جامهٔ عمل بپوشاند خدای متعال درک‌های بالاتر و شریف‌تری از مصالح و مفاسد را برایش روشن می‌کند. از فضایل مرجعیت علمی و فرهنگی اهل بیت (علیهم السلام) همین است که افراد دارای مستعد را برای رسیدن به کمال هدایت می‌کنند.

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

۴. چراغ های روشن علم (مصابیح الدُجی)

«مصابیح الدجی» نیز از دیگر عباراتی است که بر علم و مرجعیت علمی-فرهنگی ایشان در زیارت جامعه کبیره دلالت دارد. «مصبابیح» جمع مصباح و به معنای «چراغ » است و دُجی به معنای «تاریکی توأم با ابر» است، [۲۷] و منظور از مصابیح الدُجی بودن اهل بیت (علیهم السلام) این است که ایشان انسان ها را از تاریکی ها و ظلمت‌ها با چراغ‌های روشن علم خود خارج می کنند و در واقع با نور علم خود آنها را هدایت می کنند، در قرآن کریم از خداوند به عنوان نور یاد می کند و می‌فرماید: «اللهُ نورُ السَّماوات و الأرض[۲۸]: خداوند نور آسمانها و زمین است». ائمه نیز نوری از انوار الهی هستند که جلوه‌ای از نور خداوند بر روی زمین می‌باشند. در تفسیر این آیه چنین وارد شده است:

«آیه این حقیقت را به این بیان ارائه داده که خدای تعالی دارای نوری است عمومی، که با آن آسمان و زمین نورانی شده و در نتیجه به وسیله آن نور، در عالم وجود، حقایق ظهور نموده که ظاهر نبوده و باید هم این چنین باشد ظهور هر چیز اگر به وسیله چیز دیگری باشد باید آن وسیله خودش به خودی خود ظاهر باشد تا دیگران را ظهور دهد، و تنها چیزی که در عالم به ذات خود ظاهر و برای غیر خود مظهر باشد همان نور است پس خدای متعال نوری است که آسمانها و زمین با اشراق او بر آنها ظهور یافته اند»[۲۹].

با توجه به تفسیری که از نور ارائه شد، مشخص می‌شود که خدای تعالی نوری است که مُظهر غیر است؛ یعنی ظاهرکننده و روشن کننده هر چیزی روی زمین می‌باشد و از اوست که همه چیز نور گرفته است. اهل بیت (علیهم السلام) نیز اینگونه هستند، زیرا معنای «دُجی» چراغ روشن کننده است و ایشان که چراغ‌های روشن علم هستند، جلوه-ای از انوار الهی می باشند و با نور خود تاریکی‌های گمراهی را برای مردم روشن می‌کنند و معنای روشن کننده در تمام آنچه ذکر شد مشترک است.

ائمه اطهار (علیهم السلام) نه تنها برای امت اسلامی بلکه برای همه انسان‌ها چراغ به سوی نوراند و الگو گرفتن از ایشان برای نجات نه تنها جامعه اسلامی بلکه تمام جوامع بشری مفید می‌باشد و پیشرفت‌های بی‌نظیری در علم و غیره خواهیم داشت اگر درست الگو بگیریم. ایشان با علوم بی انتهای خود، بهترین رهبران جامعه می باشند و جامعه را از ظلمت ها نجات می‌دهند.

۵. محل استقرار معرفت تام خداوند (مَعادِنِ حکمهِ الله)

بعد از عبارات بالا، اهل بیت (علیهم السلام) را با «معادن حکمه الله» مورد خطاب قرار می دهیم. معادن جمع معدن و به معنای «محل استقرار و جایگاه» [۳۰] و همچنین «مرکز و کانون خیر و برکت» [۳۱] است و «حِکمه»؛ یعنی «به حق رسیدن با علم و عقل. پس حکمت از خدای تعالی، شناسایی اشیاء و ایجاد آنها از سوی اوست بر نهایت استواری، و حکمت ایشان شناختن موجودات و انجام نیکی ها و خیرات است» [۳۲] و همانطور که از معنای دو کلمه معدن و حکمت فهمیده می‌شود، کاربرد آن برای ائمه اطهار (علیهم السلام) به معنای جایگاه معرفت با علم و عقل به خداست؛ یعنی ایشان با یقین کامل شناخت تام نسبت به خداوند دارند و علم ایشان نیز از همین معرفت نشأت گرفته است.

ایشان که زمامداران و رهبران حقیقی بشرند، می‌توانند انسان‌ها را برای هدف آفرینش آماده کرده و زمینه ساز سعادت باشند. از همین روست که ایشان را در زیارت جامعه کبیره معادن حکمه الله می‌خوانیم که با حکمت خویش جامعه را به سوی هدایت واقعی رهنمون می‌شوند.

علوم اسلامی انسانی، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۹، ص ۹۷- ۸۹
ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

پ: فضایل مرجعیت علمی ــ فرهنگی اهل بیت (علیهم السلام)

فضیلت به معنای زیادت و برتری است و اهل بیت (علیهم السلام) که علم ایشان از سوی خداوند و به واسطه پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله و سلّم) به ایشان به ارث رسیده برترین علوم است و بدون هیچ خطا و اشتباهی می باشد. آنان فضیلت های بسیاری دارند که فضایل علمی بخشی از آن است. در قرآن کریم به برتری‌های علمی ایشان اشاره شده است؛ مانند آیه اهل الکتاب که خداوند در قرآن می‌فرماید:

«وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلاً قُلْ كَفى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتابِ: [۳۳] آن ها که کافر شدند و می گویند [تو پیامبر نیستی] بگو: کافی است که خداوند و کسی که علم کتاب [و آگاهی بر قرآن] نزد اوست میان من و شما گواه باشد».

این آیه بر فضیلتی بزرگ از فضایل اهل بیت (علیهم السلام) دلالت دارد و مرجعیت علمی ایشان را ثابت می‌کند، همانطور که در تفسیر این آیه چنین آمده است:

«مراد از وصول وَ مَن عِندَهُ عِلمُ الكِتابِ اوصیاء و طاهرین (علیهم السلام) هستند و نیز می‌توان استفاده نمود که غرض از جمله «وَ مَن عِندَهُ عِلمُ الكِتابِ» تعریف و شناسایی علی بن ابیطالب و اوصیاء (علیهم السلام) است به این که ساحت پروردگار به هر یک از آنان علم به اسرار آیات قرآنی و معارف الهی را به طور موهبت وجودی تعلیم فرموده و به شبهات و حکمیت قاطع آنان را متمم رسالت رسول اکرم (صل الله علیه و آله و سلّم) معرفی نموده است». [۳۴]

همان گونه که اشاره شد من عنده علم الکتاب، اهل‌بیت (علیهم السلام) هستند که علوم و اسرار غیب خداوند نزد آنان است. زمانی که وارثان حقیقی علوم و جانشینان پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله و سلّم) بر جامعه اسلامی حکومت و رهبری کنند آن جامعه به سعادت واقعی دست می‌یابد. در ادامه به اهم فزارهای زیارت جامعه کبیره که به فضایل مرجعیت علمی- فرهنگی ایشان اشاره دارد، پرداخته خواهد شد.

۱. پیشوای عادل

در زیارت جامعه کبیره از جمله فضایل مرجعیت علمی - فرهنگی اهل بیت (علیهم السلام)، رهبر و پیشوای عادل است. اهل ایشان رهبران و پیشوایان جامعه بشریت اند و با علم بی انتهای خویش عدالت را به نحو احسن در جامعه می گسترانند. حضرات ائمه (علیهم السلام) که همیشه فطرتشان از آلودگی های اعتقادی و اخلاقی پاک است و این موضوع حتی برای ملکوت آسمان‌ها و زمین مکشوف است و به تعبیر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): «ما شَكَكتُ فی للحَقِّ مُذ أُرِيتُه[۳۵]: از زمانی که حق به من نمایانده شد، لحظه ای در آن شک ننمودم». ایشان کسانی هستند که شایستگی واقعی مرجعیت جامعه را دارند و برترین افراد برای هدایت و پیشوایی عادلانه جامعه‌اند.

۲. اتحاد و همبستگی

یکی دیگر از مهمترین فضایل مرجعیت ایشان، اتحاد و همبستگی در جامعه است. این امر یکی از عوامل ایستادگی جامعه می‌باشد و از هر گونه آسیب‌پذیری و فروپاشی جلوگیری می‌کند. وحدت افراد مختلف جامعه با سلایق متفاوت، نیازمند یک مرجعیت و رهبر عادل و معصوم دارد، چرا که افراد مختلفی در یک جامعه زندگی می‌کنند که هر کدام رأی و نظر خود را دارند و برای اینکه آنان را زیر پرچم و اتحاد آورد به پیشوایی که خود در همه امور کامل و شایسته باشد و با علم بی نهایتش امت را از گمراهی نجات دهد، نیازمند می‌باشد. چنین رهبر و مرجعی جز اهل‌بیت (علیهم السلام) کس دیگری نمی‌تواند باشد، زیرا ایشان عالمان به امور مخلوقات پروردگارند و صاحبان و وارثان علوم الهی‌اند، همان‌هایی که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلّم) با عنوان ثقلین از آنان یاد کرده و تمسک کردن به ایشان را نوید بخش وحدت و یکپارچگی امت می‌داند، چرا که ایشان بهترین حلقه‌ی اتصال مسلمانان با سلایق مختلف هستند و این امر موجب نا امیدی دشمنان اسلام می‌گردد و مجری حقیقی قانون و احکام اسلام که طبق فرامین قرآن نظم را بر جامعه حاکم می-کنند، ثقلین می‌باشند [۳۶] به همین دلیل است که خداوند به مسلمانان دستور می‌دهد: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لا تَفَرَّقُوا [۳۷]: و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اهل بیت) چنگ زنید و پراکنده نشوید». در تفسیر آیه چنین وارد شده است:

«حبل خدا (ریسمان الهی)، بر قرآن اطلاق می شود، زیرا آن مانند ریسمان محسوسی است که از جانب خدا به سوی خلق کشیده شده است. یک سوی آن عبارت از مقام مشیت و علویت علی (علیه السلام) است به دست خدای تعالی است و سوی دیگرش به دست مردم است و نیز حبل بر شخص کامل از نبّی یا وصّی اطلاق می شود، زیرا او نیز ریسمانی است که از جانب خدا بسوی خلق کشیده شده است». [۳۸]

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

اهل بیت (علیهم السلام) محور وحدت بین امت اسلامی هستند. امید است با تمسک به این حبل الله موجبات رستگاری و وحدت همه افراد و جوامع فراهم آید.

نتیجه گیری

براساس آن چه گذشت، چنین حاصل می‌شود:

از مهمترین فضایل علمی - فرهنگی اهل بیت (علیهم السلام)، مرجعیت ایشان در این زمینه است. آنان با علوم بی انتهای خود مرجعیت جامعه را بر عهده دارند که باعث پیشرفت در فرهنگ می شود، زیرا علم و فرهنگ دو روی یک سکه اند و هر قدر علم رشد کند، فرهنگ نیز به تبع رشد می‌کند. از جمله نمونه های مرجعیت علمی - فرهنگی اهل بیت (علیهم السلام) که در زیارت جامعه کبیره اشاره شده می توان «اهل ذکر، گنجینه داران علوم الهی، صاحبان عقل کامل، چراغ های روشن علم و محل استقرار معرفت تام خداوند» را نام برد.

از جمله فضایل این مرجعیت علمی و فرهنگی، رهبر و پیشوای عادل برای جامعه است که زمینه ایجاد همبستگی و اتحاد افراد را در جامعه را فراهم می نماید.

پی نوشت ها

[۱]. جعفر، سبحانی، الفکر الخالد فی بیان‌العقاید، ج۱، ص ۴۰۴.

[۲]. فضل بن حسن، طبرسی، مجمع‌البیان، ج۸، ص558.

[۳]. ر.ک: ام البنین، کوهستانی، دلایل عقلی و نقلی همتایی قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) در عصمت، ص ۱۵.

[۴]. حسین بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۷

[۵]. علی اکبر، قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج۵، ص ۱۸۳.

[۶]. احمد، ابن فارس، مقاییس اللغه، ج۳، ص۳۶.

[۷]. همان

[۸]. عبدالله، جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج۱، ص۲۴.

[۹]. به این گونه زیارت نامه‌هایی که از زبان معصوم می‌باشد، «مأثور» گفته می‌شود. رک: عبدالله، جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج۱، ص۳۷؛ سید احمد، سجادی، پرچم داران هدایت، ص ۸.

[۱۰]. سید احمد، سجادی، پرچم داران هدایت، ص۹.

[۱۱]. نحل (۱۶)، ۴۳

[۱۲]. محسن، قرائتی، تفسیر نور، ج ۴، ص ۵۲۴.

[۱۳]. احمد، ابن فارس، مقاییس اللغه، ص ۳۴۹ ـ ۳۵۰

[۱۴]. فخرالدین، طریحی، مجمع البحرین، ص ۳۱۴

[۱۵]. طه (۲۵)، ۱۲۴

[۱۶]. عنکبوت (۲۹)، ۴۵

[۱۷]. محمدحسین، طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۳۷۴.

[۱۸]. انبیاء (۲۱)، ۷؛ نحل (۱۶)، ۴۳

[۱۹]. محمدحسین، طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۲۵۷.

[۲۰]. علی بن ابراهیم، فرات کوفی، تفسیر کوفی، ص۲۳۵.

[۲۱]. محمد، صفار، بصائر الدرجات فضائل آل محمد، ص ۴۱.

[۲۲]. ر.ک: محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج۱۳، ص۱۳۹؛ فؤاد، افرام بستانی، رضا مهیار، فرهنگ ابجدی، ج۱، ۱۳۷۵ش.

[۲۳]. حسین بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص۵۸۰.

[۲۴]. محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، ج۱، ص۲۲۸؛ محمد بن محسن فیض کاشانی، الوافی، ج۳، ص ۵۶۰

[۲۵]. محمدباقر، تحریری، جلوه‌های لاهوتی، ج۱، ص ۳۳۴.

علوم اسلامی انسانی، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۹، ص ۹۷– ۸۹
ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

[۲۶]. محمد بن محسن، فیض کاشانی، الوافی، ج۴، ص۱۶۶؛ عبد علی بن جمعه، حویزی نوری، تفسیر نورالثقلین، ج۳، ص۳۸۲.

[۲۷]. حسین بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ماده نهی؛ محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۴۶.

[۲۸]. نور (۲۴)، ۳۵

[۲۹]. محمدحسین، طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۲۰.

[۳۰]. حسین بن محمد، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص۵۵۳.

[۳۱]. محمود بن عمر، زمخشری، اساس البلاغه، ص۴۱۱.

[۳۲]. غلامرضا، خسروی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۵۲۸.

[۳۳]. رعد (۱۳)، ۴۳

[۳۴]. سید محمدحسین، حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۹، ص ۲۴۷.

[۳۵]. نهج البلاغه، حکمه ۱۸۴.

[۳۶]. ر.ک: ام البنین، کوهستانی، دلایل عقلی و نقلی همتایی قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) در عصمت، ص ۱۱۷.

[۳۷]. آل عمران (۳)، ۱۰۳.

[۳۸]. رضا، خانی، حشمت الله، ریاضی، ترجمه بیان السعاده فی مقامات العباده، ج ۳، ص ۳۴۷.

منابع و مراجع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. ابن فارس، احمد، مقاییس اللغه، ج۳، قم: مرکز دراسات الحوزه و الجامعه، ۱۳۸۷.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج۱۳، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۵. افرام بستانی، فؤاد، رضا مهیار، *فرهنگ ابجدی*، ج۱، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
۶. تحریری، محمدباقر، *جلوه‌های لاهوتی (شرح زیارت جامعه کبیره)*، ج۱، تهران: نشر حر-سبحان، ۱۳۸۹.
۷. جوادی آملی، عبدالله، *ادب فنای مقربان*، ج۱، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۹۷.
۸. حسینی همدانی، سید محمدحسین، *انوار درخشان*، محمدباقر بهبودی، ج ۹، تهران: کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
۹. خانی، رضا، حشمت الله، ریاضی، *ترجمه بیان السعاده فی مقامات العباده*، ج ۳، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲ش.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ‌القرآن‌الکریم*، بیروت-دمشق: دارالقلم-دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۱. زمخشری، محمود بن عمر،*أساس البلاغه*، بیروت: دارالصادر، ۱۹۷۹م.
۱۲. سبحانی، جعفر، *الفکر الخالد فی بیان‌العقاید*، ج۱، قم: مؤسسه امام صادق۷ ۱۴۲۵ق. ص ۴۰۴.
۱۳. سجادی، سید احمد، *پرچم داران هدایت؛ تدبری بر زیارت جامعه کبیره*، چاپ اول، بی جا: اسوه، ۱۳۸۷.
۱۴. صفار، محمد، *بصائر الدرجات فضائل آل محمد*، محمد، کوچه باغی، قم: بی نا، ۱۴۰۴ق.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۲، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع‌البیان*، ج۸، محقق: محمد جواد بلاغی، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۷. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، احمدحسین اشکوری، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
۱۸. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، *تفسیر نورالثقلین*، ج۳، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم،۱۴۱۵ق.
۱۹. غلامرضا، خسروی، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، ج ۱، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۴.
۲۰. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۱. فیض کاشانی، محمد بن محسن، *الوافی*، ج۳، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین، ۱۴۰۶ق.
۲۲. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، ج ۴، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۲۳. قرشی بنایی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، ج۵، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج۱، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۵. کوهستانی، ام‌البنین، دلایل عقلی و نقلی همتایی قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) در عصمت، مؤسسه آموزش عالی حوزه‌ی نرجس (سلام الله علیها)، زاهدان، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۵ش.